

## The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran)

**Mohammad Taghi Karami Ghahi**

Professor, Department of Women's Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Ali Khanmohammadi<sup>1</sup>**

Ph.D. Candidate, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Samira Nouri**

M.A. in Cultural Studies, Department of Cultural Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

*Received: 29 April 2023*

*Revised: 6 July 2023*

*Accepted: 10 July 2023*

### Abstract

Religiosity represents one of the most significant dimensions of women's lived experiences. This realm is exceedingly shaped by the transformative wave of global cultural shifts, encompassing the revolution in information technology, individualism, secularization, religious radicalism, social differentiation, integration into global culture, the rise of new lifestyles, and widespread migration. These changes have given rise to novel patterns of religiosity. The everyday life of Iranians, from antiquity to the present, has been intertwined with Abrahamic religions, Zoroastrianism, Manichaeism, and various mystical traditions. This pluralistic religious culture has been influenced by global cultural transformations. Women living in Iran's metropolises are among the most devout demographic groups. This study employs the grounded theory method with Strauss's approach to map the religiosity of women in Tehran during this era of change. The analysis focuses on four components of the coding paradigm, underlined by the positivist psychology and Buddhist spirituality in these emerging patterns of religiosity. Causal conditions include religious behavior, social identity, tolerance, psychological types, and peaceful pathways or places. Contextual and intervening conditions included the

1. Corresponding Author, Email: ali1992khanmohammadi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

**How to cite this article:** Karami Ghahi, M. T. , Khanmohammadi, A. and Nouri, S. (2024). The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 29-54.  
doi: 10.22067/social.2023.82155.1340

cultural background of families, participants' use of cultural products, and their leisure activities. The strategy Tehran women adopt—attending virtual courses and classes—often stems from encouragement by close friends and family and serves as a response to medical or social risks. The anticipated outcomes reported by interviewees include self-improvement, self-awareness, enhanced resilience, patience, success, tranquility, spirituality, and positive thinking. Through mechanisms of “innovation” and “heresy,” Tehran women engage in reconstructing or rethinking their identities, particularly in confronting challenges such as illness.

**Keywords:** Emerging patterns of religiosity, Positivist psychology, Reconstructing, Rethinking, Risk.



## زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نودین‌داری (مطالعه موردی: دوره‌ها و کلاس‌های عرفانی، موفقیت و یوگا در شهر تهران)

محمدتقی کرمی قهی (استاد گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

karami@atu.ac.ir

علی خانمحمدی (دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران، نویسنده مسئول)

ali1992khanmohammadi@gmail.com

سمیرا نوری (کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه

علامه طباطبائی، تهران، ایران)

sanouri.sn@gmail.com

### چکیده

دین‌داری یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها و مظاهر دنیای زنان است. این دنیا تحت تأثیر موج تغییرات فرهنگی جهانی است. این موج از فرایند انقلاب فناوری اطلاعات، فردگرایی، عرفی‌گرایی، افراط‌گرایی دینی، تمایزیابی و ادغام اجتماعی در فرهنگ جهانی، ظهور سبک‌های زندگی جدید و مهاجرت‌های گسترده تشکیل شده است. الگوهای نودین‌داری یکی از ثمره‌های این تحولات است. زندگی روزمره ایرانیان از دوره کهن تا امروز با ادیان ابراهیمی، زرتشتی و مانوی و فرقه‌های عرفانی مختلف گره خورده است. این فرهنگ دینی متکثر از این موج تغییرات فرهنگی جهانی در امان نبوده است. زنان در کلان‌شهرهای ایران همواره جزء اقشار با بالاترین میزان دین‌داری بودند. مقاله کنونی با به‌کارگیری روش زمینه بنیاد با رویکرد اشتراوسی برای فهم نقش دین‌داری زنان تهرانی نگاشته شده است. مؤلفه‌های چهارگانه کدگذاری الگوواره‌ای بر مبنای محوری بودن روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم در الگوهای نودین‌داری بررسی شد. رفتار مذهبی، هویت اجتماعی، رواداری و تساهل، تیپ‌های روان‌شناختی و طرق و اماکن آرامش‌بخش شرایط علی محسوب می‌شوند. وضعیت فرهنگی خانواده‌ها، وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت مصاحبه‌شوندگان را می‌توان شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دانست. حضور آنان در دوره و کلاس‌ها به صورت مجازی با آشنایی و تشویق دوستان صمیمی و خانواده را باید یک راهبرد دانست. راهبرد زنان تهرانی در مواجهه با یک مخاطره پزشکی یا اجتماعی است. پیامدهای مورد انتظار مصاحبه‌شوندگان خودسازی و خودشناسی،

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹ صص ۵۴-۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

افزایش استقامت، صبر و تحمل، موفقیت، آرامش، خدانشناسی و مثبت‌اندیشی است. زنان تهرانی بررسی شده از طریق سازوکار «بدعت»، به «برساختن» یا «بازاندیشی» خویشتن بالاخص در مواجهه با مخاطراتی چون مواجهه با بیماری دست می‌زنند.

**واژگان کلیدی:** الگوهای نودین‌داری، روان‌شناسی مثبت‌گرا، بازاندیشی، برساختن، مخاطره.

#### ۱. مقدمه

طبق تحقیقات مختلف، زنان از دیرباز تا کنون جزء گروه‌های پرتعداد مقید به دین‌داری سنتی محسوب می‌شوند، سنخی که نه تنها در مکان و کنش‌های جمعی، بلکه توسط یک مرجعیت و منبع معنا می‌یافت؛ اما امروزه دین‌داری آنان از گسست‌هایی عمیق چون موج‌های انقلاب اطلاعاتی، گسترش فردگرایی تأثیر گرفته است و فرایندهای دنیاگرایی‌سازی<sup>۱</sup> و تغییرات اخلاقی تسریع شده است (حیدری، ۱۳۹۹؛ میرسپاسی، ۱۳۹۸؛ حیدری، ۱۳۹۷؛ توکلی طرقي، ۱۳۹۶؛ فاضلی، ۱۳۹۴؛ آزاد ارمکی، نبوی ۱۳۹۲؛ میلانی، ۱۳۸۷؛ نجفی و همکاران، ۱۳۸۷؛ توکلی طرقي، ۱۳۷۹).

یکی از نشانه‌های مهم عرفی‌گرایی کاهش حضور و شرکت در آیین‌ها و مراسم‌های جمعی دینی است. عبادات فردی همچون: نمازخواندن، روزه‌گرفتن، دعاخواندن و نذرکردن در میان زنان ایرانی رو به افزایش؛ اما شرکت و حضور در مناسک مذهبی جمعی در حال کاهش است. از طرفی، پیوند دین‌داری به عرف‌های اخلاقی نوین مانند: ارتباط آزاد دختر و پسر، آزادی‌های اوقات فراغتی متنوع و الگوهای حجاب و پوشش بدن رشد کمی داشته است. به همان‌سان، بخشی از عرف‌های اخلاقی سنتی همچون: ارزشمندبودن معنویت‌گرایی، لزوم خیرخواهی و کمک به دیگران رو به افزایش است و به نظر می‌رسد که با نوعی دوقطبی‌شدن در گرایش به اخلاقیات دینی مواجه هستیم (عالم زاده، رستگاری، ۱۳۹۳؛ کلاکی، نیازخانی، ۱۳۸۹؛ مهدوی، ادیسی، رحمانی، خلیلی، ۱۳۸۹؛ اعظم‌آزاده، توکلی، ۱۳۸۶؛ توسلی، مرشدی، ۱۳۸۵؛ سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

مرجعیت‌یافتن روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پزشکی به‌علاوه این فرآیند دوقطبی‌ساز در ترویج

الگوهای نودین‌داری<sup>۱</sup> سهم چشم‌گیری داشتند (حیدری، ۱۳۹۶؛ فوکو، ۱۳۹۲؛ فوکو، ۱۳۸۷). این الگوها گزینشی از آموزه‌های عرفانی چون بودایی (دالای لاما)، اکنکار، پائولو کوئیلو، اشو، ساتیا سایی، بابا، رام الله، آیین ذن، شیطان‌پرستی باورهای علمی-پیراوان‌شناختی چون روان‌درمانی، معنویت و آرامش روان، موفقیت، درمان‌های مذهبی، هستی‌شناسی، تکنولوژی فکر، ریگی، فنگ‌شویی تا معنویت‌های نو چون عرفان حلقه کیهانی و ادیان ابراهیمی است (دانیالی، آقائی، ۱۳۹۹؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۹۷؛ حمیدیه، ۱۳۹۲؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۸).

علاقه جدید به معنویت با تأکید بر سوژه فردی، خودپروری و درک متمایزی از روان‌شناسی انسانی همراه است. معنویت به صورت کوششی برای رشد حساسیت به خود، دیگران، آفرینش غیرانسانی و به خدا وصف شده است یا به صورت کاوش در آنچه در انسان دخیل است؛ یعنی جست‌وجویی برای رسیدن به انسانیت کامل (هینلز، ۱۳۸۶: ۵۷۶؛ حمیدیه، ۱۳۹۲: ۹-۳۸).

روان‌شناسی مثبت‌گرا<sup>۲</sup> به صورت رشته علمی با عنوان روان‌شناسی اسلامی (گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا) دارای نشریه، انجمن علمی و سهمیه پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های ایران شده است (سازمان سنجش کشور، ۱۳۹۸؛ اساسنامه انجمن روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۹۸؛ دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۹۸). این امر به معنای به رسمیت شناختن این علم در ایران است.

پدیده‌هایی نوظهور سر برآورد و عرفان‌های نوظهور در کنار روان‌شناسی مثبت‌گرا، تکنیک‌های شادکامی، موفقیت، مدیریت خود، مثبت‌اندیشی و ... مبدل به کدهایی فراگیر شدند و صدر تا ذیل حیات فرهنگی را دربرگرفتند. این مجموعه کدها و الگوها تا حدی در فضای عمومی ریشه دوانده‌اند که به جرئت می‌توان آنها را رژیم‌های حقیقت‌ناמיד که عدم پیروی از آنها به مثابه گونه‌ای اختلال روانی، بیماری و مرض یا بزهکاری شناسایی می‌شود و در سه فضای بیمارستان، تیمارستان و زندان توزیع می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۶: ۱۲).

زنان تهرانی هم متأثر از این موج‌های عظیم با گزینش برخی از شعایر و باورهای دینی شیعه،

1. New patterns of religiosity
2. Positive psychology

روان‌شناسی مثبت‌گرا و عرفانی رنگین، زیست دینی می‌کنند. با این وجود، روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم به مؤلفه‌هایی تأثیرگذار در پژوهش‌های جامعه‌شناسی دین در ایران بدل نشده است. تحقیقات قبلی این حوزه در ایران به گسترش این دو نوع پدیده توجه نکرده‌اند (طالبی، رضائی تمیجانی، ۱۳۹۵؛ حسن‌پور، معمار، ۱۳۹۴؛ طالبی، ۱۳۹۲؛ حمیدیه، ۱۳۹۲؛ طالبی دارابی، ۱۳۹۱؛ شجاعی‌زند، ۱۳۹۵؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۸). پس با نگاهی عمیق به روایت‌های آنان از زندگی خود، به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهیم.

۱. بازتعریف خویشتن زنانه در میان زنان تهرانی که به الگوهای نودین‌داری گرایش دارند چگونه

است؟

۲. زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نودین‌داری چیست؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

پیچیدگی زیست جهان شهری حاصل تقسیم کار یک اقتصاد فناورانه است. تکثرگرایی درحقیقت به معنای درگیر شدن در شهری کردن دائمی آگاهی است. تکثرگرایی درواقع ذاتی این فرایند است. این فرایند از راه اطلاعات، ذهن فرد را باز می‌کند (کلنر، برگر، برگر، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۸). برگر از این وضعیت با عنوان تکثرگرایی ارزشی<sup>۱</sup> یاد می‌کند که به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد به ناگزیر با دیگرانی مرتبط می‌شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش‌ها و اعتقادات متفاوت و گاهی متضاد بر زندگی آنها حاکم است؛ یعنی فرد با تکثرگرایی معرفتی<sup>۲</sup> ناشی از برخورد با «دیگران ناهم عقیده» روبه‌رو می‌شود (برگر، ۱۹۸۰: ۱۳۳).

زنان در یک زیست جهان شهری متأثر از هر دو نوع تکثرگرایی دست به گزینش بخش‌هایی از ادیان می‌زنند. درحقیقت درون یک مذهب نیز دست به انتخاب می‌زنند. برخی آموزه‌ها را از یک مذهب و آموزه‌هایی را از مذاهب دیگر می‌گیرند. در این زیست، زمینه‌های اجتماعی معنای پدیده بدعت را تغییر داده است. دنیای جدید دنیای بی‌ثباتی‌ها است و به‌طور اتفاقی ساخت‌های ناپایدار

1. Value Pluralism

2. Cognitive Pluralism

تأییدات مذهبی، گاهی جلوی این بی‌ثباتی‌ها قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، بدعت برای یک انسان ماقبل مدرن یک امکان دوردست بود، درحالی‌که برای انسان مدرن به یک ضرورت بدل شده است (برگر، مویر، ۱۹۸۰: ۲۸-۳۰).

هویت در اثر فرآیندهای اجتماعی تشکیل می‌شود. پس از متبلورشدن، باقی می‌ماند، تغییر می‌کند، یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر، لاکمن، ۱۳۷۵: ۲۳۵). از طرفی، «فردیت» حاصل زیست جهان کنونی است. در نتیجه، به جای آنکه با اصطلاحاتی کلی از «فرد»، «خود» یا حتی «هویت فردی» به‌عنوان عوامل مشخص‌کننده مدرنیته از فرایند سه‌گانه بیرونی، عینی و درونی شدن «هویت» سخن می‌گوییم. با تمام این احوال، آن چه فرد را می‌سازد وابسته به اعمال و رفتارهای سازنده‌ای است که فرد در پیش می‌گیرد و اینها در واقع چیزهایی بیش از آن است که در ساخت و بازساخت مفهومی منسجم و نتیجه‌بخش برای هویت شخصی نقش دارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۲). در دنیای مدرنیته خطر نه تنها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زیست جهان، بلکه در تمامی فعالیت‌های روزانه بشر نهادینه شده است. با وجود اینکه منشأ خطرات در این جهان متفاوت است؛ در چنین شرایطی نظام‌های آگاهی‌پیشین و فعلی از پاسخ‌گویی به این خطرات ناتوان هستند. در کنار اینکه تمامی نظام‌های آگاهی چه دانش مذهبی و جادویی و چه علم ناتوان در رسیدن به «قطعیت» هستند، این مسائل از «کاستی‌های دانش» نشئت می‌گیرد. در نتیجه، هیچ نظام تخصصی در باره پیامدهای اقتباس اصول تخصصی نمی‌تواند ادعای آگاهی کامل را اثبات کند. در چنین روزگاری، این زنان برای متحقق‌ساختن «خویشتن» بین فرصت‌جویی و خطرکردن به تعادل رسیدند. برای رسیدن به تعادل گذشته را رها کرده و به یاری تکنیک‌های گوناگون از قید عادت‌های عاطفی آزردهنده خلاص شدند. در نتیجه، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت برای خودشان پدید آوردند. درحقیقت، دنیا پر از راه و روش‌های گوناگون برای هستی و عمل کردن می‌شود (ویگ شریدر-کروز، ۱۹۸۷؛ گیدنز، ۱۳۸۵). عاملیت آنان در انتخاب اینکه چه راهی را و چگونه برگزینند، متبلور شد. این زنان برای برقراری ارتباطی مهم و مؤثر با زیست جهان مسیری خاص برای زندگی انتخاب کردند. نقاط مرجع و اصلی مسیر آنان در «کنه وجود»شان وجود داشته است و قواعد آن این است که فرد تاریخچه زندگی خود را چگونه می‌سازد یا بازسازی می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵).

## ۲.۲. پیشینه پژوهش

در حوزه «الهیات» پژوهش‌های فراوانی درباره الگوهای نودین‌داری در ایران انجام شده؛ اما در «جامعه‌شناسی دین» مطالعات زیادی در این باره انجام نشده است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۵؛ طالبی، رمضانی تمیجانی، ۱۳۹۵؛ حسن‌پور، معمار، ۱۳۹۴؛ طالبی، ۱۳۹۲؛ ریاحی، ۱۳۹۲؛ طالبی دارابی، ۱۳۹۱؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۰؛ کریمی، عالم زاده، رستگاری، ۱۳۹۳؛ اعظم آزاده، توکلی، ۱۳۸۶؛ توسلی، مرشدی، ۱۳۸۵). در ادامه چند پژوهش مرتبط با موضوع این مقاله و با نگاه جامعه‌شناختی را معرفی می‌کنیم:

کتاب چالش‌های دین و مدرنیته (مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولارشدن) (۱۳۸۵) به قلم سیدحسین سراج‌زاده یکی از اولین منابعی به زبان فارسی است که به مسئله دنیاگرایی‌سازی پرداخته و در فصل هفتم این کتاب یک پژوهش در ایران هم تشریح شده است. شریعتی مزینانی در یک رشته مقالات با همکاری باستانی و خسروی به مطالعه دوره‌ها، کلاس‌ها و اشیاء مربوط به معنویت‌های جدید قبل از همه‌گیری ویروس کرونا پرداخته‌اند (شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۸۹؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های علمی حول محور دین‌داری با اهداف سنجش و شاخص‌سازی از آن چون طرح‌های ملی سنجش و نگرش ایرانیان و جوانان و طرح‌های منشعب از آن در چندین موج صورت گرفته و مقالاتی در تحلیل‌های آن نگارش شده است (گودرزی، ۱۳۹۳؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ مرکز مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹؛ موسوی، ۱۳۸۶؛ مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶؛ مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۸۶؛ مرکز پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۳؛ موسسه میثاق دانش روز، ۱۳۸۲؛ گودرزی، و همکاران، ۱۳۸۲؛ موسسه میثاق دانش روز، ۱۳۸۱؛ مصداقی، ۱۳۷۹؛ مصداقی، ۱۳۷۸؛ مصداقی، ۱۳۷۶؛ شیانی، و همکاران، ۱۳۸۸؛ فرجی، کاظمی، ۱۳۸۸؛ طالبان، ۱۳۸۸).

در مقاله‌ها و پژوهش‌های ملی نسبت به طرح و مطالعه الگوهای نودین‌داری غفلت شده است. شاید علت این غفلت تازگی پدیده و عدم پرداخت نظری به موضوع در زمان اجرای این پژوهش‌ها



بوده است. در مقالاتی که به این بحث پرداخته‌اند، به روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم به‌عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کننده توجه نشده است.

### ۳. روش پژوهش

در مقاله کنونی بر اساس رویکرد اشتراوسی به روش زمینه‌بنیاد در سه مرحله با پانزده مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. بر مبنای نمونه‌گیری نظری نمونه‌هایی از کلاس‌ها و دوره‌های مؤسسه‌های مناطق ۳، ۲، ۵ و ۸ شهر تهران را بررسی کردیم، زیرا در این مناطق بیشترین تعداد کلاس‌های موفقیت و یوگا برگزار می‌شود. نمونه‌گیری دوره‌های عرفانی با توجه به ممنوعیت قانونی و رازدار بودن اجتماع آنان با روش گلوله برفی از طریق معرف آغاز و در ادامه با روش هدفمند نمونه‌گیری نظری نمونه‌های بعدی جمع‌آوری شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده در فرایند مقایسه دائم<sup>۱</sup> برای دستیابی به طرح نظری کدگذاری باز یک‌به‌یک مصاحبه‌ها انجام شد. در این مرحله بیش از دو هزار مضمون کشف و مصاحبه‌های بعدی برای نمونه جدید برای چالش طرح اولیه برگزیده شده‌اند. برای ادامه این روند بر مبنای الگوواره کدگذاری<sup>۲</sup> و نگاه به یافته‌ها و تجارب پژوهشی قبلی کدگذاری محوری<sup>۳</sup> انجام شد. در مرحله آخر بر مبنای حساسیت نظری<sup>۴</sup> که همان بدعت<sup>۵</sup>، مخاطره و تیپ‌های روان‌شناختی - ارتباطی کدگذاری گزینشی (انتخابی) است اقدام شده است. این مقاله چندضلعی‌نگری<sup>۶</sup> میان داده‌های پژوهش‌های پیشین، پژوهش‌های پهن‌دامن فرهنگی اجتماعی، مقایسه دائم و کنترل روایی بین محققان و داده اعتباریابی شده است.

1. Constant Comparison
2. Coding Paradigm
3. Axial Coding
4. Theoretical Sensitivity
5. Heresy
6. Triangulation

## جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

منبع: مطالعه حاضر

شماره	وضعیت تاهل	سن	تحصیلات	محل سکونت
۱.	متاهل	۲۸	کارشناسی ارشد	منطقه ۹
۲.	مطلقه	۳۳	کاردانی	منطقه ۲
۳.	مجرد	۲۴	کارشناسی ارشد	منطقه ۳
۴.	مجرد	۳۷	کارشناسی	منطقه ۱۱
۵.	مجرد	۳۱	کارشناسی ارشد	منطقه ۶
۶.	مجرد	۲۹	کارشناسی ارشد	منطقه ۲
۷.	مجرد	۲۹	کارشناسی	منطقه ۲
۸.	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	منطقه ۶
۹.	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	منطقه ۲
۱۰.	مجرد	۳۱	کارشناسی ارشد	منطقه ۱۱
۱۱.	متاهل	۵۳	دیپلم	منطقه ۵
۱۲.	متاهل	۵۹	دیپلم	منطقه ۵
۱۳.	متاهل	۶۲	سیکل	منطقه ۱۲
۱۴.	مجرد	۲۷	کارشناسی	منطقه ۸
۱۵.	مجرد	۲۹	کارشناسی	منطقه ۴

## ۴. یافته‌های پژوهش

در فرایند تشکیل نظریه‌ای دربارهٔ زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی الگوهای نودین‌داری زنان تهرانی به پدیدهٔ محوری «بازتعریف خود جنسیتی» دست یافتیم. بازتعریف خود جنسیتی با کدگذاری گزینشی (انتخابی) دارای مؤلفه‌های شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مورد انتظار است. این مؤلفه‌ها را می‌توان در جدول ۲ جمع‌بندی کرد.

## جدول ۲. کدگذاری محوری

منبع: مطالعه حاضر

عناصر	کد
شرایط علی	رفتار مذهبی / هویت اجتماعی / رواداری و تساهل / تیپ‌های روان‌شناختی / آرامش بخشی
شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر	وضعیت فرهنگی خانواده / وضعیت فرهنگی و فراغت زنان / سن / قومیت / تحصیلات / حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی
راهبردها	آشنایی از طریق دوستان صمیمی و یا اعضای خانواده / مشوقین دوستان صمیمی و خانواده
پیامدهای مورد انتظار	خودسازی و خود عزت نفسی / افزایش استقامت و صبر / موفقیت / آرامش / خداشناسی / مثبت‌اندیشی

## ۱.۴. شرایط علی

در بررسی کنونی محورهای رفتار مذهبی، هویت اجتماعی، رواداری و تساهل، تیپ‌های روان‌شناختی و آرامش بخشی جزء مؤلفه‌های شرایط علی است.

## ۱.۱.۴. رفتار مذهبی

رفتار مذهبی در میان مصاحبه‌شوندگان گرایش به دین‌داری گزینشی و تسلط بدعت اجتماعی حرکت کرده است. می‌توان این نوع دین‌داری را به دو سنخ اجتماعی تقسیم کنیم.

الف) دین‌داری اسلام-معنویت‌های نو، نوعی از دین‌داری گزینشی با محوریت شعائر اسلامی است. در ادامه به چند نمونه از مصاحبه‌ها اشاره می‌کنیم. انجام اعمال مذهبی از نظر شخصی واجب. اعمالی که از نظر خودم واجب است انجام می‌دهم، قرآن می‌خوانم، نماز می‌خوانم (مصاحبه ۱۱: ۱)؛ هر زمانی که حال معنوی داشته باشند. برخی شعائر مذهبی بالاخص قرآن را می‌خوانند. به صورت مرتب انجام نمی‌دهم نماز می‌خوانم ولی هر روز و وقتی که حس داشته باشم نماز را می‌خوانم. هر وقت که احساس نیاز کنم نماز می‌خوانم (مصاحبه ۱۲: ۱).

ب). دین‌داری معنویت‌های نو-اسلام، دین‌داری گزینشی با محوریت شعائر معنویت‌های نو است. مصادیقی از مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. شعائر مذهبی قدیمی هستند و راه‌های متنوع و جدیدی برای دین‌داری وجود دارد. انجام نمی‌دم، ولی یک زمانی که تنها هستم با خداوند مراوده می‌کنم و حرف می‌زنم (حالت مدیتیشن). قبلاً نماز می‌خوندم ولی الان نه. .... به نظر من الان زمان این حرف‌ها نیست.

برای زمان قدیم بود. من فکر می‌کنم انجام ندهم به نفعم است، انجام دادنش باعث روحیه منفی می‌شود (مصاحبه ۷: ۱). به خواندن قرآن بسیار باور دارند. اعتقادات و باورهای مذهبی شخصی است و روزه برای کنترل تغذیه است و احساس مذهبی به آن ندارد. نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم ولی احساس مذهبی به روزه ندارم، حس و حالی به روزه ندارم. برای کنترل تغذیه انجام می‌دهم. قرآن می‌خوانم و خیلی قبولش دارم (مصاحبه ۱۰: ۱). از اماکن مقدس و مذهبی انرژی می‌گیرند. سفر مشهد (زیارت) انجام می‌دهم. ... این طور نیست که بگوییم وقتی به مشهد می‌روم سفت و سخت اعتقاد دارم. بیشتر جنبه تحقیق و تفحص دارد. انرژی می‌دهد از کلیسا بیشتر انرژی می‌گیرم (مصاحبه ۳: ۱). نگاه ارزشمند مصاحبه‌شوندگان به خیرخواهی و کمک‌رسانی یکی از مؤلفه‌های گرایش به اخلاق دینی سنتی است؛ اما رواج راه‌های غیرمادی کمک‌رسانی که جزء راه‌های سنتی نبوده است، از نوع دین‌داری کنشگران هم تأثیر گرفته است و نه تنها ارزشمندی کمک به دیگران کاهش نیافته است، بلکه راه‌های جدید هم به آن اضافه شده است. همه این موارد نشانگر تغییرات عمیق نگرش و باورهای اجتماعی-فرهنگی ایرانیان پس از انقلاب اسلامی است. نگاه آنان با چندین گزاره قابل تقسیم‌بندی است: ۱. کمک به مستمند می‌تواند غیرمادی و مثلاً کارآفرینی باشد. کمک به مستمند مهم است. می‌تواند پولی یا غیر پولی باشد. آدم‌ها جدا از هم نیستند و مانند اعضاء بدن هستند و شرایط آدم‌ها روی یکدیگر تأثیر دارد. اگر یکی فقیر باشد حتماً روی زندگی من اثر دارد. یک وظیفه مهم می‌دانم. به نظر من کمک به مستمند یک بعدی نباید باشد. باید به کسی که نان شب و وسایل منزل ندارد کمک مالی کرد؛ ولی بعضی‌ها به کمک مالی نیاز ندارند و بهتر است کار آفرینی شود و فرد را توانمند کرد (مصاحبه ۸: ۱-۲)، ۲. کمک به مستمند مهم است. من هر سال مقداری پول خرج مستمندان می‌کنم. البته کمک می‌تواند کارهای غیرمادی باشد؛ مثلاً تدریس به کودکان فقیر (مصاحبه ۱۵: ۱).

#### ۲.۱.۴. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی شامل زیرمفهوم‌های: اولویت اول مصاحبه‌شوندگان، تصویر ذهنی از زن امروزی، اولویت یک زن در جامعه کنونی ایران و کمک به مستمندان است. اولویت مصاحبه‌شوندگان عبارتند از: ۱. اولویت اول، فرزندان هستند. اولویت من در زندگی‌ام اول فرزندانم هستند. تمام فکر و ذکر من بچه‌هایم و بعد پدر و مادرم و بعد پول است (مصاحبه ۴: ۱). ۲. اولویت اول کار در زمینه مورد

علاقه‌ام است. اولویت اول زندگی‌ام کار کردن در زمینه مورد علاقه‌ام است، هنر و نقاشی (مصاحبه ۶ : ۱). ۳. اولویت اصلی رشد شخصی است. اولویت اول من، رشد شخصی خودم است، بعد خانواده‌ام و روابطم (مصاحبه ۸ : ۱). پس می‌توان این موارد را به دو دسته کلی رشد شخصی و فرزند تقسیم کرد.

تصویر ذهنی از زنِ امروزی در بین مصاحبه‌شوندگان، تصویر فردی آگاه، مستحکم و مستقل از نظر مالی و پایبند به اخلاق در زمانه بی‌اخلاقی و چهارچوبی است. این تصویر را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: ۱. زنِ امروزی سرسخت و جنگجو باشد و از قالب زن خارج شود. یک زنِ امروزی باید مبارز و جنگجو باشد و در عین حال آگاهی‌اش زیاد باشد و باید خیلی قوی و سرسخت باشد؛ هر چند که از قالب زن خارج شود (مصاحبه ۳ : ۱). ۲. زنِ امروزی باید اعتماد به نفس و آرامش خاطر داشته باشد. زنِ امروزی باید آرامش خاطر و اعتماد به نفس بالایی داشته باشد (مصاحبه ۱۲ : ۱). ۳. زنِ امروزی باید مستقل باشد بالاخص از نظر مالی. زنِ امروزی باید مستقل باشد، باید شغل داشته باشد، باید پول در بیاورد به هیچ روی محتاج نباشد (مصاحبه ۱۵ : ۱). ۴. زنِ امروزی باید پایبند به اخلاق باشد و امروزی بودن مساوی با بی‌اخلاقی نیست. زنِ امروزی باید تحصیلات و شعور اجتماعی داشته باشد، پایبند به اخلاقیات باشد، لباس پوشیدن آنها موجه و نجیبانه باشد. طرز حرف‌زدن مؤدبانه باشد و ... (مصاحبه ۱۱ : ۲).

اولویت یک زن در جامعه کنونی ایران از نگاه اغلب مصاحبه‌شوندگان کار و تحصیل است. نگاه مصاحبه‌شوندگان با چندین گزاره کلی قابل دسته‌بندی است: ۱. یک زن باید تعادل میان کار، تحصیل و فرزند برقرار کند. همه چیز لازمه زندگی است. یک زن تحصیلات خوبی داشته باشد، مادر خوبی می‌شود، مگر کار با بچه منافات دارد؟ و خداوند می‌گوید وقتی یک بنده‌ای یک کار را انجام می‌دهد یعنی می‌تواند. وقتی یکی هم می‌تواند هم کار و تحصیل و هم بچه و هم همسر پس مهم می‌تواند. شرایط خود من همین‌طور بود (مصاحبه ۱۲ : ۱-۲). الان جامعه طوری نیست که خانواده اولویت داشته باشد و کمبود جمعیت داشته باشیم. به نظر من شرایط ایجاب می‌کند به درس و کار اولویت بدهم ولی الان که فکر می‌کنم نیاز به رابطه عاطفی دارم. روابط عاطفی زیر سایه کار و شغل شکل

می‌گیرد (مصاحبه ۸: ۱). ۲. یک زن باید کار و تحصیل اولویت وی باشد. به نظر من اولویت با کار و تحصیل است (مصاحبه ۱۵: ۱).

#### ۴. ۱. ۳. رواداری و تساهل

رواداری و تساهل از مهم‌ترین مفاهیم شرایط علی است که در دو سوئیۀ ارتباط با نامسلمان‌ها، ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها بررسی شده‌است. در سوئیۀ اول ارتباط با نامسلمان‌ها، به بررسی دو زیرمؤلفه پرداختیم، اول) تصور مصاحبه‌شوندگان از نامسلمان‌ها پرسیده شد که با دوانگاری<sup>۱</sup> درستکار و نادرستکار یا متحجر برخوردیم. اغلب مسیحیان و آرامنه از دسته‌ی اول هستند: خیلی برخورد نزدیک نداشتم ولی در نزدیکی ما چند یهودی هستند که بسیار کاسب‌کار هستند و مکرکارانه کاسبی می‌کنند. خیلی دنبال پول هستند. ارمنی‌ها را دوست دارم چند باری در همدان چند ارمنی دیدم خیلی محترم بودند. سنی‌ها خیلی زن‌ها را تحقیر می‌کنند، مخصوصاً کردهای سنی (مصاحبه ۱۲: ۲). باورها و عقاید ادیان دیگر برایم جالب است. نظر خوبی دارم نسبت به آنها. دوست دارم با آنها حرف بزنم و از عقایدشان به من بگویند. من با کره‌ای‌ها کار می‌کنم. البته عده‌ای از آنها ابتدا بودایی بودند، سپس مسیحی شدند. این تغییر دین برای من جالب است (مصاحبه ۹: ۲).

سطوح ارتباط با نامسلمان‌ها را به دو سنخ اجتماعی می‌توان تقسیم کرد:

الف) تعامل میانه: همان مرادۀ کمتر و محدود با نامسلمان‌هاست. دبیرستان یک دوست ارمنی داشتم... می‌شود همکار شد، ازدواج نمی‌شود به مشکل برمی‌خورد. در ازدواج، اعتقاد مذهبی زن و شوهر باید یکی باشد، باید با هم کفو باشند (مصاحبه ۴: ۲). در کل با آنهایی که ایرانی نیستند خیلی راحت می‌توانم کار و دوستی کنم. با ایرانی‌ها همیشه دچار تعریف حد و مرز می‌شوم. می‌شود با غیرمسلمان‌ها کار کرد، همسایگی می‌شود کرد، ازدواج بین دو فرهنگ مختلف خیلی سخته، باید یک سری چیزها را فهمید و درک کرد و بستگی دارد که هر دو نفر این موضوع واقف باشند و بخواهند همدیگر را بهتر بشناسند. فرهنگ مشترک باعث می‌شود کمتر سوء تفاهم ایجاد شود (مصاحبه ۹: ۲).

ب) تعامل حداکثری: در حقیقت مراوده نامحدود با نامسلمان‌هاست. همکار غیرمسلمان داشتم، دو تا همکار ارمنی داشتم خیلی خوش اخلاق و برخورد بودند. می‌شود کار کرد، همسایگی نکردم، می‌شود همسایگی کرد. ازدواج هم می‌شود کرد با آنها (مصاحبه ۷: ۲) با مسیحی و بهایی کار کردم. معنا ندارد بگویم چون مسلمان نیستند کنار من نیایند. من مسلمان آنقدر مثبت باشم که بهایی را جذب کنم نه با کینه. درس‌های بزرگی از یک همکار زرتشتی گرفتم. برای من انسانیت مهم است نه دین و مذهب؛ دین، یک مرام که توسط محل تولد و جغرافیا تعیین می‌شود [تلخیص و تصحیح مصاحبه‌گر]. می‌شه با غیر مسلمان کار کرد، همسایگی هم می‌شود کرد. همه را خدا خلق کرده‌است. ازدواج هم می‌شود کرد با غیر مسلمان در صورت تفاهم اخلاقی (مصاحبه ۱۲: ۲).

در سویه دوم ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها به بررسی دو زیرمؤلفه پرداختیم. اول) تصور آنان از بی‌خدا و نادین پرسیده شد که با دو گونه دیگر برخوردیم: یکی بی‌اخلاق، چهارچوب و بند و بار و زندگی پر از خلاء، بستگی دارد که کسی که دین ندارد و خدا را قبول ندارند آیا اخلاقی زندگی می‌کند یا نه. اگر دین ندارد ولی باید در زندگی چهارچوب داشته باشد نباید زندگی‌اش دچار هرج و مرج شود. معمولاً کسانی که دین ندارند، چهارچوب را ندارند (مصاحبه ۹: ۲). نادین و بی‌دین کسی است که دیگران از دستش در امان نباشند، صداقت نداشته باشد و دروغگو باشد (مصاحبه ۱۳: ۱)، بی‌خدا و نادینی را تجربه کرده است و باعث خلاء در زندگی آنان می‌شود. من خودم بی‌خدا و دینی را تجربه کردم آنها را درک می‌کنم و فکر می‌کنم یک خلاءهایی در زندگی آنها به وجود می‌آید (مصاحبه ۸: ۳-۲)؛ سنخ دوم، متفاوت، ملایم، غیر تندرو، بعضی عقاید آنها که جنبه خشن و رادیکال شدن ندارد جذاب است. جالب است بدانم درباره‌اش ولی این‌طور نیست که خودم جذب آن بشوم (مصاحبه ۳: ۲).

سطوح ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها که با دو سنخ اجتماعی مواجه شدیم. الف) تعامل میانه که تعامل به جز ازدواج با آنان را امکان‌پذیر می‌دانند. من دوستانی این‌چنین داشتم و من از یک جایی به بعد نتوانستم با آنها رفاقت کنم، کار می‌شود کرد، همسایگی هم می‌شود، ازدواج نمی‌شود کرد کلاً ارتباط نزدیک با این آدم‌ها برآیم سخت است (مصاحبه ۱۰: ۳). من دوستانی این‌چنین داشتم ولی همکار نداشتم. یکی از دوستانم این‌چنین است که بهترین دوستم است که خیلی هم دختر خوبی

است و او را قبول دارم. می‌شود کار کرد با چنین آدمی که شرطی که چهارچوبی داشته باشد، مخصوصاً در رابطه‌هایش، همسایگی هم می‌شود کرد به همان شرط قبلی و اخلاقی زندگی کردن، برای ازدواج هم روی چهارچوب تأکید دارم. آدم‌های مذهبی به دلیل خدا ترس بودن ممکن است خیلی کارها را نکند. من خودم در خانواده چهارچوب‌دار بزرگ شدم (مصاحبه ۹: ۲). ب) تعامل حداقلی که تعامل فقط در سطح همکاری را با آنان امکان‌پذیر می‌داند: نه کار نکردم، ولی احتمالاً تجربه‌ی کار با آنها می‌تواند جذاب باشد. (مصاحبه ۳: ۲) بله کار کردم ولی خیلی راحت جذب کردم و مسلمان شدند. به همه فحش می‌داد ولی الان مسلمان شده است، می‌شه کار کرد، همسایگی می‌شود، ازدواج در صورت تفاهم می‌شود (مصاحبه ۱۲: ۲).

#### ۴.۱.۴. تیپ‌های روان‌شناختی

تیپ‌های روان‌شناختی از مفهوم‌های علوم ارتباطات و روان‌شناسی است. در بررسی کنونی دو سنخ اجتماعی قابل تشخیص است. یک) درون راهبر که شخصیتی درون‌گرا، کم‌حرف و علاقه‌مند به پیدا کردن راه حل مشکلات توسط خویش است: بیشتر دوست دارم تنها باشم. دوست ندارم درباره مشکلات با کسی حرف بزنم؛ مگر این‌که مشکلی باشد که بقیه مثلاً همسر را درگیر کند که در آن صورت سعی می‌کنم با همسر مطرح کنم. اگر مشکلات راجع به فرزندم باشد با شوهرم حتماً مشورت می‌کنم (مصاحبه ۱: ۱). دو) دگرراهبر<sup>۱</sup> که شخصیتی برون‌گرا و علاقه‌مند است و نیازمند پیدا کردن راه حل مشکلات توسط دیگران که بیشتر خانواده و دوستان هستند: جمع‌های خوب و بگو بخند داریم. دوست دارم راجع به مشکلات با مادر و خواهر و دخترم حرف بزنم. اون‌ها هم از مشکلاتشان بهم می‌گویند (مصاحبه ۴: ۱). هر دو را دوست دارم اگر کسی نباشد، حالم بد می‌شود. تفریح جمعی باشد. یک مدت درباره مشکلاتم با کسی حرف نمی‌زدم ولی الان وارد گروه‌های عرفانی شدم، من به صحبت کردن تشویق می‌شوم. در دبیرستان کمتر حرف می‌زدم ولی الان نه (مصاحبه ۸: ۱).

#### ۴.۱.۵. آرامش‌بخشی



طرق و اماکن آرامش‌بخشی در میان مصاحبه‌شوندگان به سه دسته قابل تقسیم‌بندی است. دسته اول سنتی، طریقه آرامش‌بخشی با انجام فرایض دینی، گوش دادن به موسیقی سنتی، حضور در اماکن مقدس، قبور درگذشتگان و طبیعت روی می‌دهد: خیلی دوست دارم بروم حرم امام رضا، اهل امام‌زاده رفتن نیستم. عاشق امام رضا هستم. بیشتر به حضرت فاطمه توسل می‌جویم. همیشه حضرت فاطمه کمک کرده مرا. هر وقت تنها و درمانده باشم، حضرت زهرا دستم را می‌گیرد. قرآن را برای آرامش زیاد نخواندم ولی چند آیه از قرآن خیلی آرامم می‌کند. گاهی یک آیه به ذهنم می‌رسد و آن لحظه حس می‌کنم که خداوند می‌خواهد من را کمک کند. نماز حاجت و نذر آرامم می‌کند، روزه نمی‌گیرم. برای آرامش بیشتر موسیقی سنتی شجریان گوش می‌دهم (مصاحبه ۱: ۳). من وقتی درونم آرام باشد همه‌جا احساس آرامش می‌کنم؛ اما در صورتی که آرام نباشم مکان‌هایی مثل حسینیه خودمان، حرم امام رضا و سایر امام‌زاده‌ها به‌طور کلی تمامی اماکن مقدس و عبادتگاه‌ها، طبیعت، شهرهایی و بافت‌های قدیمی و باستانی آرامم می‌کند. در مواقع اضطرار و مشکل تا به حال این‌گونه بوده که ابتدا کمی نگران و هول می‌شوم. بعد سعی می‌کنم آرامشم را حفظ کنم، با خودم ذکر را تکرار می‌کنم و از خدا و امام علی (ع) و یا سایر امامان کمک می‌خواهم، برای حل مسئله در نهایت با توکل دست به عمل می‌شوم. قرآن خواندن، دعا کردن، توسل به ائمه، نماز خواندن آرامم می‌کند. روزه گرفتن را تربیتی برای نفسم می‌دانم نه آرامش برای روحم. پیش آمده مواقعی که موسیقی‌های سنتی مثل شجریان باعث آرامش بیشترم شده (مصاحبه ۱۴: ۳-۴).

دسته دوم گزینشی، اصلی‌ترین روش آن زیارت اماکن مقدس و قبور درگذشتگان، گوش دادن به موسیقی در ژانرهای مختلف عمده‌ترین روش‌های آرامش‌بخشی مصاحبه‌شوندگان است: به بخشی از خانام انرژی خوبی دارد آنجا احساسی آرامش می‌کنم. حرم امام رضا هم آرامش می‌دهد. برای افزایش احساس آرامش با خودم خلوت می‌کنم و کارهایی را که دوست دارم انجام می‌دهم. به گل‌هایم می‌رسم. چون به خدا اعتقاد دارم، وقتی مشکل دارم با خدا راز و نیاز می‌کنم. قرآن می‌خوانم، قرآن به من حس قدرت می‌دهد، قرآن خواندن به من آرامش می‌دهد. در جملات قرآن چیزهایی را پیدا می‌کنم که به من آرامش می‌دهد. اهل توسل نیستم. بستگی به حال دارد. گاهی با موسیقی کلاسیک گاهی با پاپ آرام می‌شوم؛ ولی بیشتر موسیقی بی‌کلام آرامم می‌کند. (مصاحبه ۱۰: ۳) و

دسته سوم روش‌های نو، با انتخاب راه‌های متعدد آرامش‌بخشی در کنار همدیگر است. آره احساس آرامش می‌کنم مثلاً در بهشت زهرا، جای زیارتی هم آرامش می‌دهد. موزیک گوش می‌دهم، عکاسی، نقاشی، سرم را مثلاً با کتاب گرم می‌کنم. سعی می‌کنم تمرکز کنم در اضطرار و مشکل به دقت چیزها را آنالیز کنم. پیش اوامده آرامم کند قرآن خواندن و توسل و دعا و غیره ولی کار همیشگی‌ام نیست. خیلی کم پیش می‌آید نماز و روزه هم گاهی باعث می‌شود آرام بشوم (در کل کم). راک بیشتر از همه آرامم می‌کند، بعضی پاپ‌ها آرامم می‌کنند. بیشتر این مهم است که ترانه به حال من نزدیک باشد (مصاحبه ۳: ۳). در این دسته حتی روش‌های غیرمذهبی هم روش‌هایی برای رسیدن به آرامش محسوب می‌شوند. من در کنار خانواده‌ام احساس آرامش می‌کنم. البته اینکه در اتاقم تنها باشم هم آرامش دارم. اماکن مذهبی و قبور برای من آرامش بخش نیست. وقتی با خواهرزاده‌ام هستم خیلی آرامش بیشتر می‌شود. در اضطرار و مشکل با خودم خلوت می‌کنم و سعی می‌کنم به مشکلم فکر کنم و راهی برای حل آن پیدا کنم. قرآن، دعا، توسل به ائمه، نماز، نذر و روزه آرامم نمی‌کند. موسیقی پاپ ملایم را برای آرامش دوست دارم. موسیقی سنتی تلفیقی با پاپ را دوست دارم (مصاحبه ۱۵: ۳). البته آثار محمدرضا شجریان از عمده موسیقی‌های آرامش‌بخش از نظر مصاحبه‌شوندگان است.

#### ۲.۴. شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر

مؤلفه‌های شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر در مقاله فعلی را در چهار طبقه: وضعیت فرهنگی خانواده، وضعیت فرهنگی و فراغت زنان، حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی و ویژگی جمعیت‌شناختی می‌توان تحلیل کرد.

#### ۲.۴.۱. وضعیت فرهنگی خانواده

وضعیت فرهنگی خانواده‌های زنان مصاحبه‌شده به سه سنخ اجتماعی تقسیم می‌شود: الف) خانواده سنتی، خانواده‌هایی که بر حجاب و نماز دخترشان تأکید دارند: ارتباط با خانواده صمیمی نیست ولی بد هم نیست. سازگار هستم با آنها ولی حالت ایده‌آل نیست، احترام هست. ولی باید با پدر و مادرم حالت دوری و دوستی باشد. نمی‌توانم پدر و مادرم را وارد جریان زندگی‌ام کنم. من هم وارد جریان زندگی نمی‌شوم. خانواده‌ام مذهبی محسوب نمی‌شوند. نماز می‌خوانند ولی همه

دین را مورد به مورد رعایت نمی‌کنند. خانواده‌ام برای انجام امور دینی سخت‌گیری نمی‌کردند مگر حجاب حتی سر آن در خانواده جنگ داشتم، سر رژ لب از پدرم کتک خوردم (مصاحبه ۱: ۱).  
 ب) خانواده مذهبی، خانواده‌هایی که بر الزام انجام تمامی شعائر مذهبی تأکید دارند: خانواده‌ام مثل خودم اعتقاد مذهبی درونی دارند تا بیرونی. مادر و پدرم نماز می‌خوانند و معتقدند و روزه می‌گیرند. خانواده‌ام حتی برای یک‌بار هم باری امور دینی به من سخت نگرفتند. مادر و پدرم و دایی‌ها و خاله‌هایم مذهبی بودند. کسی از آنها چیزی به من تحمیل نکردند. سر هیچ مسئله مذهبی‌ای دعوا و بحث نداشتیم (مصاحبه ۱۱: ۱).

ج) خانواده سهل‌گیر، خانواده‌هایی که در ارتباط با جنس مخالف سهل‌گیر هستند و بر انجام شعائر مذهبی مقید نیستند: خوبه ارتباطم با خانواده، خانواده‌ام مذهبی نیستند، هیچ‌گاه برای انجام امور دینی سخت‌گیری نکردند همیشه به خواست خودم بودم (مصاحبه ۷: ۱).

#### ۲.۲.۴. وضعیت فرهنگی و فراغت زنان

وضعیت فرهنگی و فراغت زنان مصاحبه‌شده را می‌توان به دو سنخ اجتماعی طبقه‌بندی کرد:  
 الف) طریقه سنتی، علاقه‌مندی به کتاب، اشعار سنتی، سفر به شهرهای قدیمی، فراگیری هنرهای سنتی و مصرف کالاهای سنتی را شامل می‌شود: ترجیح می‌دهم اول سفر داخلی کنم. اول شیراز و اصفهان بعد اروپا، جای طبیعی و بکر و سرسبز را به جای مدرن ترجیح می‌دهم. شعر سنتی دوست دارم و بیشتر حافظ می‌خوانم، شعر نو می‌خوانم، سهراب را ولی در کل شعر سنتی را ترجیح می‌دهم. به چیزهای ماوراءالطبیعه خیلی علاقه دارم. هنر سنتی را دوست دارم، قالیبافی را دوست دارم. کالای سنتی دوست دارم ولی تا به حال رویم نشده یک مانتو طرح سنتی یا مليله‌دوزی بخرم، خجالت می‌کشم (مصاحبه ۲: ۱-۲).

ب) طریقه تلفیقی، علاقه‌مندی به رمان، اشعار نو، سفر به شهرهای مدرن و طبیعت، رفتن به سینما، کافه، تئاتر، عضویت فعال در شبکه‌های اجتماعی و فراگیری هنرهای جدید و مصرف کالاهای مدرن را شامل می‌شود: گشتی در مطالب اینترنتی، تخیل می‌کنم، نقاشی، عکاسی، کافه‌نشینی، کتاب می‌خوانم. در برابر شهرهای مدرن مثل شانگهای و پاریس من اصفهان و شیراز ترجیح می‌دهم. طبیعت‌گردی را ترجیح می‌دهم. عضو هستم در اینستاگرام، فیسبوک، تلگرام، واتس‌آپ، بیشتر در

اینستاگرام فعالم، نه دوست ندارم چون هنر یک چیز آوانگارد و رو به جلو است. دوست ندارم ساکن بمانم. بته جقه دوست دارم. کلا ساده می پوشم. لباس های سنتی هم اگر خاص باشند می پسندم (مصاحبه ۳: ۲). با وجود این سنخ ها اغلب مصاحبه شونده گان به خواندن دیوان حافظ و اشعار مولانا و طبیعت گردی علاقه مندی نشان دادند.

#### ۳.۲.۴. حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی

مواجهه با یک مخاطره پزشکی یا اجتماعی یکی از علل گرایش به این دوره ها و کلاس هاست. چون ماحصل آن یک بحران فردی یا خانوادگی برای مصاحبه شونده است که این دوره و کلاس ها را می توان نوشدارو برای آن تلقی کرد. مشکل اوتیسم پسرم باعث شد که به کلاس های موفقیت بروم (مصاحبه ۱: ۳). یه زمانی بود که خیلی استرس داشتم و عصبی بودم و کمرم مشکل داشت. یکی از دوستانم که از چهارده سالگی یوگا کار می کرد به من پیشنهاد یوگا را داد. دکترها می گفتند باید عمل شود ولی یوگا من را خوب کرد (مصاحبه ۷: ۳). من اولین بار دوستم به این کلاس ها می رفت. حرف هایی که می زد برایم جذاب بود. بعد پیش آمد که خودم رفتم و اثرش را دیدم و یک جاهایی بعداً دیدم که به عرفان نیاز دارم و بدون آن انرژی ام خیلی پایین می آید و حالات روحی ام بالا و پایین می شود (مصاحبه ۸: ۳).

#### ۴.۲.۴. ویژگی جمعیت شناختی

زنان مصاحبه شده در سنین ۲۴ ساله تا ۶۲ ساله، متولدین شهرهای تهران، یزد، لاهیجان، رشت، آذرشهر و دارای اصالت های ترک، عرب، قمی، لر و گیلکی بودند و تحصیلات آنان از سیکل تا کارشناسی ارشد و در زمینه های فنی و مهندسی و علوم انسانی در رشته های الهیات، جامعه شناسی و حسابداری داشتند.

#### ۳.۴. راهبردها

راهبردها در اظهارات مصاحبه شونده گان را در دسته های: مشوقین، طریقه آشنایی و موضع اطرافیان بررسی کردیم.

مشوقین آنان اغلب دوستان صمیمی و خانواده بودند: خانواده همسر سابقم مخالف بودند، همسرم چون درگیر کار بود خیلی برایش اهمیت نداشت که چه کار می کنم، خانواده ام مخالفتی نداشتند.

مشوقم خانواده بودند، به‌ویژه خواهرم و بعد مادر و پدرم، یکی از دوستانم مشوق بود و حتی جلسات یوگا در خانه من برگزار می‌شد (مصاحبه ۲: ۳).

طریقه آشنایی توسط آشنایان و دوستان بوده‌اند: خانواده‌ام اول نظری نداشتند ولی بعداً همراهی کردند. حس کردند راه خوبی است، کسی تشویق نمی‌کرد (مصاحبه ۸: ۳). موضع اطرافیان در مقابل شرکت در دوره و کلاس‌ها اغلب مخالف نبوده‌است. هیچ مخالفتی نداشتیم. مادرم و همسرم برای یوگا تشویق می‌کردند. دوستانم هم تشویق می‌کردند. تعداد کمی از دوستانم یوگا کار می‌کنند، خیلی‌ها ماندگار نیستند. الان هفت نفر دوست یوگا کار دارم (مصاحبه ۴: ۳).

از طریق دوستان صمیمی و یا اعضاء خانواده با این دوره و کلاس‌ها آشنا شدند. طبق مصاحبه‌های بالا عدم مخالفت همسر و اعضاء خانواده برای حضور و ادامه این کلاس‌ها و دوره‌ها یا موارد اندک مخالفت به چشم می‌خورد.

#### ۴.۴. پیامدهای مورد انتظار

پیامدهای مورد انتظار آنان، بیشتر فردی است؛ از جمله: ۱. خودسازی و خودشناسی: اینکه آدم به خودسازی برسد که محیط اطراف و انرژی‌های منفی روی من اثر نگذارد، باید من مسلط باشم به اوضاع نه برعکس، تحملم برود بالا، تمرکزم برود بالا (مصاحبه ۳: ۳)؛ ۲. افزایش استقامت، صبر و تحمل: فکر را باز کرد، اعتماد به نفس مرا بالا برد، قشنگی زندگی به همین مشکلات است. یک روز شادی و یک روز غم است. زندگی بالا و پایین دارد. دید مرا عوض کرد. یاد گرفتیم کسانی که مریض می‌شوند، مثلاً سرطان، وجود هر کس پنجاه و دو چشمه دارد، یکی از آنها درگیر می‌شود که سرطان می‌گیریم. باید اول فکر را باز کنیم، فکر را کوچک نکنیم (مصاحبه ۴: ۴)؛ ۳. موفقیت: خودشناسی و موفقیت (مصاحبه ۵: ۳). ۴. آرامش است. از یوگا تمرکز بیش از حد زیاد به دست آوردم، با آن همه کاری می‌شود انجام داد. آرامش هم به دست آوردم. قدرت و استقامت هم بدست آوردم (مصاحبه ۷: ۴)؛ ۵. خداشناسی: خیلی چیزها به دست آوردم، توانایی‌های خاص به دست آوردم. چون خدا را پیدا می‌کنیم. ظرفیت‌سازی می‌شود و مشکلات ما را به هم نمی‌ریزد. توکل به خدا می‌یابیم. اشراق پیدا می‌کنیم (مصاحبه ۱۲: ۳). هر کجا عمل صالح باشد، گفته‌های قرآن پیاده شود راه خدا و توحید هست (مصاحبه ۱۳: ۱). ۶. مثبت‌اندیشی: انرژی مثبت از این کلاس‌ها

می‌گیریم. قبل از شروع هر کاری، حس می‌کنم حتماً در انجام آن موفق خواهم شد. درباره همه چیز مثبت فکر می‌کنم. همین فکر مثبت باعث می‌شود که بتوانم امور زندگی را با موفقیت بگذرانم. شعار من در زندگی این است که هر کاری را که بخوام، می‌توانم انجام بدهم (مصاحبه ۱۵: ۴). مرحله آخر، برای دستیابی به طرح نظری نیازمند فهم پدیده محوری هستیم. برای تحقق این امر شکل زیر همان مدل الگوواره ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱. مدل الگوواره

منبع: مطالعه حاضر

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

زنان تهرانی با شرکت کردن در دوره‌ها و کلاس‌های یوگا، موفقیت و عرفانی در تلاش بازتعریف خود هستند. در این راه به دو فرایند مهم «بدعت» و «برساختن» یا «بازاندیشی» خود بالانحص در مواجهه با مخاطرات اجتماعی و پزشکی دست می‌زنند. در حقیقت رابطه‌ای پیکار<sup>۲</sup> میان منابع آگاهی و سوژگی زنان در نحوه دین‌داری تأثیرگذار است. رفتار مذهبی مصاحبه‌شوندگان در شهر تهران به

1. Paradigm

2. Dialectic

سمت گرایش به دین‌داری گزینشی و تسلط بدعت اجتماعی حرکت کرده است. پس دو نوع دین‌داری اسلام-معنویت‌های نو و معنویت‌های نو-اسلام به چشم می‌خورد. بالطبع رواج راه‌های غیر مادی کمک‌رسانی که جزء راه‌های سنتی نبوده، متأثر از الگوهای جدید دین‌داری است. از یک طرف، رواداری و تساهل در ارتباط با نامسلمان‌ها با دوگانه‌انگاری و با بی‌خدا و نادین‌ها با دوری‌گزینی مواجه هستیم. از طرفی دیگر، گزینشی‌شدن در گروهی‌ترین تا فردی‌ترین سطوح کنش فرهنگی زنان نفوذ کرده است. پس وضعیت فرهنگی خانوادگی تا تیپ‌های روان‌شناختی، طرق و اماکن آرامش‌بخشی و وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت زنان هم گزینشی شده است. سوژگی زنان هم از این فرایند در امان نیست. پس همچون یک واقعیت اجتماعی در پیکار بیرونی‌شدن، عینی‌شدن و درونی‌شدن است. سوژگی آنان در هر لحظه مسیر در حال شدن<sup>۱</sup> را می‌پیماید.

در این فرآیند سه‌گانه، زنان در حال بازتعریف خویش هستند. هویت یکی از اجزای اصلی واقعیت ذهنی است و مانند هرگونه واقعیت ذهنی، در رابطه‌ای پیکاری با جامعه قرار دارد. زن امروزی در نگاه مصاحبه‌شوندگان بازان‌دیشی می‌شود، هم باید آگاه، مستحکم و مستقل از نظر مالی و پایبند به اخلاق باشد و هم بین کار، تحصیل و فرزند تعادل برقرار کند.

دوره‌ها و کلاس‌های یوگا، موفقیت و عرفانی فرصتی برای خودسازی و خودشناسی قلمداد می‌شوند. آنان به «بازتعریف خویش‌نانه» دست می‌زنند. درحقیقت این زنان با «برساختن» خویش در مقابل مخاطرات و با راهبرد «بازاندیشی» خویش‌نانه زیست تکثرگرایی را تجربه می‌کنند. این امور با سازوکار<sup>۲</sup> بدعت تحقق می‌یابد. اما این ساز و کار «بازتعریف خویش‌نانه» قطعاً توسط بافتار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنونی ما مجاز شمرده می‌شود. زمینه‌های مجازش‌مردن آن از مقال این مقاله خارج است.

#### ۶. پی‌نوشت و یادداشت‌ها

تضاد منافی میان نویسندگان وجود ندارد. نویسندگان از منابع مالی هیچ سازمانی برای پیشبرد پژوهش بهره نبرده‌اند.

1. Becoming  
2. Mechanism

## کتابنامه

۱. آزاد ارمکی، ت.، و نبوی، س. ح. (۱۳۹۲). نخستین صورت سازه فرهنگی «غرب» و «تجدد» در ایران معاصر. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۳۱-۷.
۲. اعظم آزاده، م.، و توکلی، ع. (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع گرایی و دینداری. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹)، ۱۰۱-۱۲۶.
۳. انجمن روان‌شناسی اسلامی. (۱۳۹۸). *بیانیه ماموریت و اهداف*. بازیابی در ۱۸ آبان ۱۳۹۹، از [http://islamicpa.com/?page\\_id=5915#](http://islamicpa.com/?page_id=5915#)
۴. باستانی، س.، شریعتی مزینانی، س.، و خسروی، ب. (۱۳۸۹). مروجان رفتارهای دینی (مطالعه موردی جمع‌های با رویکرد روان‌شناسی و عرفان). *نامه علوم اجتماعی*، ۱۷(۳۶)، ۸۷-۱۲۳.
۵. باستانی، س.، شریعتی، س. و خسروی، ب. (۱۳۹۷). مصرف کالاهای معنوی، راهی برای افزایش سرمایه‌ی فرهنگی (نگاهی دیگر به معنویت‌های جدید در ایران). *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۵(۲)، ۳۰۳-۲۶۹.
۶. برگر، پ.، و لاکمن، ت. (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)* (چاپ اول) (ف. مجیدی، مترجم) تهران. علمی و فرهنگی.
۷. توسلی، غ. ع.، و مرشدی، ا. (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان مطالعه‌ی موردی (دانشگاه صنعتی امیر کبیر). *جامعه‌شناسی ایران*، ۷(۴)، ۱۱۸-۹۶.
۸. توکلی طرقی، م. (۱۳۹۶). *تجدد بومی و بازانندیشی تاریخ (ویراست دوم)* تهران: پردیس دانش.
۹. حسن پور، آ.، و معمار، ث. (۱۳۹۴). *مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع* (ارائه یک نظریه زمینه‌ای). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸(۳)، ۱۳۱-۹۹.
۱۰. حمیدیه، ب. (۱۳۹۲). جنبش‌های نوپدید معنوی: دین یا عرفان؟ ادیان و عرفان، ۴۶(۱)، ۲۹-۵۰.
۱۱. حیدری، آ. (۱۳۹۶). روانشناسی، حکومت‌مندی و نولیبرالیسم. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۲۴(۱)، ۳۹-۹.
۱۲. حیدری، آ. (۱۳۹۷). *تنظیمات ایرانی حکومت‌مندی و برآمدن دولت مدرن در ایران. جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹(۱)، ۱۴۸-۱۲۶.
۱۳. حیدری، آ. (۱۳۹۹). *واژگونه‌خوانی استبداد ایرانی*. تهران: مانیا هنر.



۱۴. دانیالی، ع.، و آقائی، خ. (۱۳۹۹). جوهرزدایی: تقلیل دین به عرفان‌های نوظهور (مطالعه موردی: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های پرگار از شبکه بی‌بی‌سی فارسی). *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۱(۴۹)، ۶۷-۹۲.
۱۵. دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی. (۱۳۹۸). *درباره نشریه*. بازیابی در ۱۸ آبان ۱۳۹۹، از <http://psychology.riqh.ac.ir/journal/about>
۱۶. ریاحی، م. ا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به عرفان‌های نوظهور در بین جوانان. *مطالعات معنوی*، ۱(۷)، ۳۹-۷۰.
۱۷. سازمان سنجش کشور. (۱۳۹۸). *دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۳۹۸. کدرشته محل های تحصیلی گروه علوم انسانی. مجموعه روانشناسی (کد ضریب ۱)*. تهران: سازمان سنجش کشور.
۱۸. سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). *وضعیت، نگرش و مسایل جوانان ایران*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۱۹. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۷۷). *نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان و دلالت آن بر سکولارشدن. نمایه پژوهش*، ۱(۷،۸)، ۱۱۸-۱۰۵.
۲۰. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۸۵). *چالش‌های دین و مدرنیته (مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولارشدن)*. تهران: طرح نو
۲۱. شجاعی‌زند، ع. ر. (۱۳۹۵). *مدلی برای مطالعه «دین‌گریزی» در ایران*. راهبرد فرهنگ، ۹(۳۵)، ۳۰-۷.
۲۲. شریعتی‌مزیانی، س.، باستانی، س.، و خسروی، ب. (۱۳۸۶). *جوامعی در نوستالژی اجتماع نگاهی به پدیده معنویت‌های جدید در ایران (از خلال مطالعه موردی دو نمونه از جمع‌های عرفانی-روان‌شناسی)*. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۸)، ۱۹۵-۱۷۷.
۲۳. شیانی، م.، موسوی، م. ط.، و مدنی قهفرخی، س. (۱۳۸۸). *سرمایه اجتماعی جوانان در ایران*. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰(۳)، ۸۴-۵۷.
۲۴. طالبان، م. ر. (۱۳۸۸). *چارچوبی مفهومی برای پیمایش دین‌داری در ایران*. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۱(۲)، ۷-۲۸.
۲۵. طالبی، ا. (۱۳۹۲). *معنویت‌گرایی نوین به مثابه گفتمان*. *علوم اجتماعی*، ۲۰(۶۲)، ۲۵۲-۲۱۳.

۲۶. طالبی، ا.، و رضانی تمیجانی، ص. (۱۳۹۵). گونه‌شناسی معنویت‌گرایان جدید. *راهبرد فرهنگ*، ۹(۳۵)، ۲۰۳-۲۳۳.
۲۷. عالم‌زاده، م.، و رستگاری، ث. (۱۳۹۳). دین‌داری جوانان، ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها بررسی محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در تحلیل دین‌داری جوانان (شهر تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۲۱(۲)، ۱۵۹-۱۸۸.
۲۸. غفاری، غ. ر. (۱۳۹۳). *سنجش سرمایه اجتماعی کشور*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۲۹. فاضلی، ن. ا. (۱۳۹۴). *تجربه تجدید (رویکردی انسان‌شناختی به امروزی‌شدن فرهنگ ایران)*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۰. فرجی، م.، و کاظمی، ع. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دین‌داری در ایران (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲(۲)، ۷۹-۹۵.
۳۱. فوکو، م. (۱۳۸۷). *مراقبت و تنبیه (تولد زندان)* (ن. سرخوش، و ا. جهاناننده، مترجمان) تهران: نی.
۳۲. فوکو، م. (۱۳۹۱). *تولد زیست سیاست (درس‌گفتارهای کلژ دو فرانس ۱۹۷۹-۱۹۷۸)* (ر. نجف‌زاده، مترجم) تهران: نی.
۳۳. فوکو، م. (۱۳۹۲). *تولد پزشکی بالینی* (ف. ولیانی، مترجم) تهران: ماهی.
۳۴. کلاکی، ح.، و نیازخانی، م. (۱۳۸۹). مدل اندازه‌گیری دینداری جوانان. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۱(۱۲)، ۸۹-۱۲۳.
۳۵. کلنر، ه.، برگر، ب.، و برگر، پ. (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی)* (م. ساوجی، مترجم) تهران: نی.
۳۶. گودرزی، م. (۱۳۹۳). *موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: شورای سیاست‌گذاری پژوهش‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. گودرزی، م. (۱۳۸۲). *موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۳۸. گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت (چاپ اول)* (م. ثلاثی، مترجم) تهران: مرکز.
۳۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)* (چاپ چهارم) (ن. موفقیان، مترجم) تهران: نی.

۴۰. مرادی، ف.، رهبر، ع.، و توی، خ. (۱۳۹۹). پزشکی و قدرت از عهد ناصری تا دوره رضاخان؛ تبارشناسی سوژه ایرانی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۵(۳)، ۱۴۱-۷۲.
۴۱. مرکز پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. (۱۳۸۳). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۲. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام. (۱۳۸۶). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۳. مرکز مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبایی. (۱۳۸۹). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان*. تهران: وزارت ورزش و جوانان.
۴۴. مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهرا (س). (۱۳۸۶). *پیمایش ملی بررسی وضعیت، مسائل و مشکلات دختران و زنان جوان*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۵. مصداقی، ژ. (۱۳۷۶). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۵*. تهران: دفتر طرح‌های ملی. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۶. مصداقی، ژ. (۱۳۷۸). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۶*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۷. مصداقی، ژ. (۱۳۷۹). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۷*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۸. مظاهری سیف، ح. ر. (۱۳۹۰). *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور* (جلد ۱). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۹. مؤسسه میثاق دانش روز. (۱۳۸۱). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۹*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۰. مؤسسه میثاق دانش روز. (۱۳۸۲). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۰*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۱. موسوی، م. (۱۳۸۶). *سنجش سرمایه اجتماعی جوانان در ایران*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۵۲. مهدوی، س. م.، ادیسی، ا.، و رحمانی خلیلی، ا. (۱۳۸۹). *شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی*. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۱(۱۱)، ۱۶۵-۱۳۹.

۵۳. میرسپاسی، ع. (۱۳۹۸). تأملی در مدرنیته ایرانی (بحثی درباره گفتمان‌های روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران). تهران: ثالث.
۵۴. میلانی، ع. (۱۳۸۷). تجدد و تجدیدستیزی در ایران (مجموعه مقالات). تهران: اختران.
۵۵. نجفی، م.، نعیمیان، ذ.، رمضان‌نرگسی، ر.، مصباح، ع.، مشکئی، م.، و سلمانیان، ح. (۱۳۸۷). تشیع و مدرنیته در ایران معاصر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

56. Berger, P. L. (1980). Facing up to Modernity. *Philosophy and Phenomenological Research*, 40(4), 600-602.
57. Berger, P. L., & Muir, R. (1980). *The heretical imperative: Contemporary possibilities of religious affirmation*. New York: Anchor Press.
58. Tavakoli Targhi, M. (2001). *Refashioning Iran: Orientalism, Occidentalism and historiography*. London: Palgrave Macmillan.

